

ردیف	سؤالات	نوع
۴	<p>معنی یا مفهوم کلی ابیات و عبارات زیر را بنویسید.</p> <p>(الف) ممکن / از ناممکن می پرسد: / خانه ات کجاست؟ / پاسخ می آید: / در رویای یک ناتوان</p> <p>(ب) چو ننمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو</p> <p>(ج) همی رفت پیش اندورن مرد گرد / جهانی بر او انجمن شد نه خرد</p> <p>(د) شغال نگون بخت را شیر خورد / بماند آنچه روباه از آن سیر خورد</p> <p>(ه) در هر سفری ما را از این بیارند تا صدقه ای که خواهیم کرد، حلال بی شبهت باشد، از این فرماییم.</p> <p>(و) لله درکما! بزرگا که شما دو تنید.</p> <p>(ز) در آن مواضع از جهت روز حادثه گریزگاه ساخته و تیمار آن را فراخور حکمت و بر حسب مصلحت بداشته.</p> <p>(ح) چون من بسته باشم - اگرچه ملال به کمال رسیده باشد - اهمال جانب من جایز نشمری.</p>	۱
۴	<p>درک مطلب</p> <p>(الف) مارانی که بر دوش ضحاک رویدند مظهر چه خصلتهایی بودند؟ ۵. نمره</p> <p>(ب) در عبارت زیر، مقصود نویسنده از قسمتهای مشخص شده چیست؟ ۱ نمره «مردمی که به <u>خانه های بی دریچه</u> عادت کرده اند، از <u>پنجره های باز و نورگیر</u> گریزان هستند.»</p> <p>(ج) شاعر در بیت زیر قصد بیان چه نکته ای را دارد؟ ۵. نمره «در آن تاریک شب می گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی»</p> <p>(د) بیت «کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست / چرا به دانه ی انسانیت این گمان باشد» بیانگر چه دیدگاهی است؟ ۵. نمره</p>	۲
صفحه ی ۱ از ۲		

	<p>(ه) گوینده ی عبارت « آنچه دارم از حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم » از کدام فضیلت اخلاقی برخوردار است؟ ۰.۵</p> <p>(و) درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید. انمره «یقین مرد را دیده بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد»</p>												
۲	<p>معنای لغات مشخص شده را بنویسید.</p> <p>(الف) <u>حلاوت</u> سنج معنی در بیانها</p> <p>(ج) <u>اشتر</u> طلبید و <u>محمل</u> آراست</p> <p>(ه) با <u>اعطای</u> نشان ولایتعهدی وارد تبریز شد.</p> <p>(ز) <u>بیاورد</u> ضحاک را چون <u>نوند</u></p> <p>(ب) دوات خواست و <u>توقیع</u> کرد</p> <p>(د) یک <u>قبضه</u> خاک از روی زمین برگرفت</p> <p>(و) از <u>چنبر</u> نفس رسته بودند آنها</p> <p>(ح) من <u>قلا</u> کردم و عینکش را برداشتم.</p>												
۱	<p>نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.</p> <p>(الف) <u>مطوقه</u> و <u>یارانش مطلق</u> و <u>ایمن بازگشتند</u>.</p> <p>(ب) بر فراز سرم <u>هیچ</u> جز اختران نبینم.</p>												
۲	<p>جمله معلوم را مجهول و مجهول را معلوم کنید. (جمله را کامل بنویسید. نوشتن فعل به تنهایی نمره ندارد)</p> <p>(الف) آنان افکار خود را به آرامی انتقال می دهند.</p> <p>(ب) کارگاههای متعدد صنعتی توسط عباس میرزا در آن شهر ساخته شد.</p>												
۱	<p>انواع «را» در جملات زیر، چیست؟</p> <p>(الف) هر نفسی را دو نعمت است.</p> <p>(ج) امیر را تب گرفت</p> <p>(ب) او اختران را در آسمان نهاده.</p> <p>(د) بونصر را بگوی که امروز درستم.</p>												
۱.۲۵	<p>جدول را کامل کنید.</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th>فعل</th> <th>بن ماضی</th> <th>بن مضارع</th> <th>صفت فاعلی</th> <th>صفت مفعولی</th> <th>صفت لیاقت</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>می سرودم</td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	فعل	بن ماضی	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت	می سرودم					
فعل	بن ماضی	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت								
می سرودم													
۲	<p>در بیت «چو آن آهنین کوه آمد به دشت / همه رزمگه کوه پولاد گشت» آرایه های استعاره، مجاز، جناس و کنایه را بیابید. (ذکر کنید که کلمات، استعاره، مجاز و کنایه از چه چیزی هستند. نوع جناس را هم مشخص کنید).</p>												
۰.۷۵	<p>سه آرایه در بیت «کزین پس به کنجی نشینم چو مور / که روزی نخوردند پیلان به زور» بیابید.</p>												
۲	<p>شعر زیر را کامل کنید.</p> <p>(الف) بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی /</p> <p>(ب) / خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد</p> <p>(ج) در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری /</p> <p>..... / آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد</p>												
صفحه ی ۲ از ۲													

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر												
۱	<p>الف) نباید از ناتوانی سخن گفت. امیدهای ما باید برکشنده ی ما باشند نه فرو کشنده ما. باید انگیزه داشت و از نشدن حرف نزد.</p> <p>ب) وقتی دو پهلوان به هدف خود نرسیدند، از دو جهت به هم حمله کردند.</p> <p>ج) پهلوان به راه خود ادامه داد و گروه بزرگی گرد او جمع شده و با او همراه شدند.</p> <p>د) شیر، شغال بدبخت را خورد و روباه پس مانده ی غذای شیر را خورد.</p> <p>هـ) هر سفری که می رویم و بخواهیم صدقه ای بدهیم، دستور می دهیم از این مالها باشد چون مال حلال است و شکی در آن نیست.</p> <p>و) خدا خیرتان بدهد. شما دو تن چقدر بزرگوارید.</p> <p>ز) در آن جایگاه برای فرار روز گرفتاری، صد سوراخ درست کرده و با علم و دانش و مصلحت از آنها محافظت می کرد.</p> <p>ح) وقتی من گرفتار باشم - هر چند هم که خستگی ات به نهایت رسیده باشد - نسبت به باز کردن بندهای من کوتاهی نمی کنی.</p>	محل مهر یا امضاء مدیر												
۲	<p>الف) خصلتهای اهریمنی</p> <p>ب) افکار بسته که با جهان در ارتباط نیست / اطلاعات روز جهان</p> <p>ج) مشاهده زوال حکومت خوارزمشاهی (د) معاد (هـ) قناعت</p> <p>و) گاهی انسان به خیال خود به یقینی می رسد که درست نیست مانند درویش که یقین کرد می تواند مانند شغال گوشه نشین باشد و روزی بخورد اما قیاس او نابجا بود.</p>													
۳	<p>الف) شیرینی (ب) امضا و مهر نامه (ج) کجاوه، هودج (د) یک مشت از هر چیزی</p> <p>هـ) بخشیدن، عطا کردن، دادن (و) حلقه (ز) اسب تیزرو (ح) کلک زدم</p>													
۴	الف) قید (ب) مفعول													
۵	<p>الف) جمله معلم است. مجهول آن: افکار به آرامی انتقال داده می شود.</p> <p>ب) جمله مجهول است. معلوم آن: عباس میرزا کارگاههای متعدد صنعتی در آن شهر ساخت.</p>													
۶	الف) مالکیت (ب) مفعولی (ج) نهادی یا زائد (د) حرف اضافه													
۷	<table border="1"> <thead> <tr> <th data-bbox="1193 1581 1417 1648">فعل</th> <th data-bbox="986 1581 1193 1648">بن ماضی</th> <th data-bbox="778 1581 986 1648">بن مضارع</th> <th data-bbox="571 1581 778 1648">صفت فاعلی</th> <th data-bbox="379 1581 571 1648">صفت مفعولی</th> <th data-bbox="172 1581 379 1648">صفت لیاقت</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td data-bbox="1193 1648 1417 1731">می سرودم</td> <td data-bbox="986 1648 1193 1731">سرود</td> <td data-bbox="778 1648 986 1731">سرا</td> <td data-bbox="571 1648 778 1731">سراینده</td> <td data-bbox="379 1648 571 1731">سروده</td> <td data-bbox="172 1648 379 1731">سرودنی</td> </tr> </tbody> </table>	فعل	بن ماضی	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت	می سرودم	سرود	سرا	سراینده	سروده	سرودنی	
فعل	بن ماضی	بن مضارع	صفت فاعلی	صفت مفعولی	صفت لیاقت									
می سرودم	سرود	سرا	سراینده	سروده	سرودنی									
۸	آهنین کوه استعاره از عمرو / رزمگه مجاز از لشکریان / جناس ناقص اختلافی بین دشت و گشت / کوه فولاد گشتن کنایه از ترسیدن													
۹	تشبیه من به مور / جناس اختلافی مور و زور / مراعات نظیر مور و پیل													
۱۰	<p>الف) عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد</p> <p>ب) جغد در ویرانه می خواند به انکار تو اما</p> <p>ج) آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد</p> <p>د) ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می گشاید</p>													